



**کاملا حرفه‌ای عمل کردیم**  
توضیحات محمد جواد روح سردبیر هم‌میهن  
در باره شماره دیروز و فضا سازی‌ها علیه روزنامه



**تجربه موفق مداخله گرای آمریکایی؟**  
بررسی انتخابات آژانتین که افزایش نفوذ واشنگتن  
در آمریکای لاتین را نشان داد



**رفاقت یا خیر عمومی؟**  
تحلیلی از علی ورامینی  
در نقد اظهارات اخیر رئیس‌جمهور درباره کابینه



**دو اجماع اقتصادی با فاصله یک اقیانوس**  
کتاب جدید اجماع لندن چگونه ۱۰ فرمان اجماع واشنگتن را زیر سوال می‌برد

بررسی جایگاه تاریخی **کورش هخامنشی** و نسبت آن با اندیشه میهن دوستی به مناسبت هفتم آبان

# ملی گرایی یا باستان گرایی

نگاه هم‌میهن

## بازگشت به ملی گرایی و امر ملی

روز کورش امسال - هفتم آبان ۱۴۰۴ خورشیدی به بهانه سالروز ورود کورش به بابل در ۵۳۹ پیش از میلاد - می‌تواند با تمام سال‌های پیشین متفاوت باشد از این منظر که «ملی گرایی» به گفتمان رسمی راه یافته و از جنگ ۱۲ روزه (۲۳ خرداد تا سوم تیر) به این سو در ادبیات و تبلیغات رسمی از ایران و میهن گفته می‌شود و نقطه اوج البته هنگامی بود که رهبری شخصاً در شب عاشورا در مذهبی‌ترین آیین از مداح خواستند در باره «ایران» بخواند. شهرداری تهران در دوران ایدئولوژیک‌ترین شهردار تاریخ بلدیة تاکنون نیز طی ماه‌های گذشته از ترویج و تبلیغ نمادهای ملی و میهنی فروگذار نکرده و دست بر قضا نصب تندیس بزرگ «ارش کمان گیر» با تجاوز اسرائیل به ایران مقارن شد. با این همه همچنان در قبال «کورش» پاره‌ای حساسیت‌ها باقی است؛ به گونه‌ای که برگزاری آیین بزرگداشت او در پاسارگاد همه‌ساله با موانع یا اما و گرهایی روبه‌روست. این در حالی است که در میان شخصیت‌های تاریخی هیچ‌یک به اندازه «کورش» هخامنشی با ایران پیوند ندارد و این حال کورش به دلایلی که اشاره خواهد شد بعد از انقلاب ۵۷ مورد بی‌مهری‌هایی قرار گرفت. مهم‌ترین دلیل تقابل یا انکار گفتمان کورش که به مرور رنگ باخت این بود که انقلاب اسلامی ایران با هژمونی گفتمان مذهبی و انقلابی و حمایت و ائتلاف چند گفتمان مختلف (اسلام انقلابی، اسلام سنتی، چپ مارکسیستی، ملی گرایی با نماد دکتر مصدق و نه باستان گرایی، ملی-مذهبی و روشن فکری دینی و عرفی یا سکولار) در مقابل گفتمان سلطنت قرار گرفت که در دو گفتمان متکی بود: اولی توسعه امرانه و از بالا به پایین و دیگری باستان گرایی با نماد کورش هخامنشی و طبیعی بود که نیروهای انقلابی نمی‌خواستند یا نمی‌توانستند با آن گفتمان اشتراکی داشته باشند و ماجرا بعد از برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی و نطق محمدرضاشاه پهلوی در ۲۰ مهر ۱۳۵۰ خورشیدی در برابر آرامگاه کورش شدت گرفت: نطقی که یک جمله آن زبان زد و البته در میان مردم عادی و انقلابیون مایه استهزا هم شد: کورش! آسوده بخواب که ماییداریم... شاه آن نطق را که احتمالاً باستان گرایان برای او نوشته بودند بی‌هیچ نشان مذهبی این گونه آغاز می‌کند: «کورش! شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه هخامنشی، شاه ایران زمین! از جانب من، شاهنشاه ایران و از جانب ملت من تو درود باد... تکرار واژه شاه و شاهنشاهی در این نطق به حدی است که واژه کورش با شاه و پادشاهی انگاشته شد و طبعاً برای هیچ‌یک از گفتمان‌های مقابل سلطنت مقبول نبود. آن سخنرانی با این جملات پایان می‌یابد: کورش! شاه بزرگ، شاه شاهان، آزاد مرد آزاد مردان و قهرمان تاریخ ایران و جهان! آسوده بخواب. زیرا که ماییداریم و همواره بیدار خواهیم بود. با شدت گرفتن سرکوب در آغاز سال‌های دهه ۵۰ که به خاطر فوران درآمدهای نفتی اعتماد به نفس فراوانی به شاه بخشیده بود تا با اعلام انحلال دو حزب حکومت ساخته ساختار سیاسی رانک حزبی اعلام کند و از منتقدان و مخالفان نخواهد یا به حزب رستاخیز بپیوندند یا گذرنامه خود را دریافت و ایران را ترک کنند نام کورش هم از چشم مخالفان سلطنت افتاد و انکار اسم رمز پادشاهی شد در حالی که کورش هخامنشی گناهی نداشت و وقتی خلفای اموی و عباسی و سلاطین عثمانی خود را به پیامبر گرامی اسلام منتسب می‌کردند انتساب پادشاه ایران به کورش هخامنشی نیز نباید به حساب او گذاشته می‌شد اما شد و زمان برد تا فرهنگ رسمی و انقلابی با کورش و هخامنشیان و تخت جمشید و پاسارگاد آشتی کند اگر چه هنوز هم به تمامی این آشتی صورت نپذیرفته که اگر چنین بود شاهد برنامه‌های رسمی و پوشش آن در صداوسیما بودیم نه آن که در سریال‌های تلویزیونی برای شخصیت‌های منفی از نام‌های ایرانی و از جمله کورش استفاده شود و بودجه‌های کلان برای ساخت سریال‌های پر هزینه و اصطلاحاً فاخر به شخصیت‌های دینی تاریخی اختصاص یابد نه پادشاهان هخامنشی و حتی کورش. موقعیت متفاوت کورش تنها به خاطر آن نیست که بنیان گذار امپراتوری بزرگ هخامنشی بوده تا جایی که از آن به عنوان اولین امپراتوری جهان هم یاد می‌شود بلکه به سبب آن که مولانا ابوالکلام آزاد شخصیت برجسته و مسلمان شبه‌قاره هند «ذوالقرنین» قرآن را همان کورش کبیر دانسته و مهم‌تر این که مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر «المیزان» این نظر را قرین به صحت دانسته و همین مجال پرداختن به کورش را فراهم آورده و مانند داستان «شهر بانو» نیست که مخالفان در سستی آن (ازدواج با امام حسین علیه‌السلام) بیش از موافقان اند و بیشتر آن را قصه می‌دانند تا رنگی از تعلقات ایرانی به مقوله عاشورا ببخشند و به جز دکتر مهدوی دامغانی ندیدم کسی صحت بگذارد حال آن که در تطبیق ذوالقرنین با کورش کبیر مخالفت آشکار در حد انکار بروز نکرده و نهایتاً در حد بی‌اطلاعی یا سکوت بوده است. شاه دو شب بعد از نطق در کنار آرامگاه کورش در ۲۲ مهر ۱۳۵۰ هم در ضیافت شام تخت جمشید به گونه‌ای به تمدن هخامنشی پرداخت که انکار نه انگار ۱۱۰۰ سال بعد ایرانیان اسلام آوردند و در پی آن تمدن اسلامی شکل گرفت و هیچ اشاره‌ای به اسلام و تمدن اسلامی نکرد و از این رو کورش در مقابل اسلام ترسیم شد در حالی که مربوط به ۱۱۰۰ سال قبل از ظهور اسلام در ایران بوده است. <1



مهررداد خدیر  
معاون سردبیر



## گفت و گو با داریوش رحمانیان

دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تهران  
و یادداشت‌هایی از:  
بهرورز رضایی  
فرزاد نعمتی  
میلااد نوری  
محسن محمودی



رخداد قضایی ۴ و ۱۳

سخنگوی قوه قضائیه خبر داد:

## عفو ۱۱۵ محکوم امنیتی

واکنش‌ها به گزارش دیروز هم‌میهن از اظهارات مقامات قضایی تا انتشار خبر خروج متهم از کشور

سرمقاله

## نگاه جرم‌زای مردسالار

دیروز مواجه با چند مسئله متفاوت شدیم که نشان می‌دهد اقدامات و سیاست‌های متناقض در سطح رسمی موجب می‌شود ساختار رسمی هزینه اقدامات ناپسند را بپردازد؛ ولی از منافع اقدامات درست خود بهره‌مند نشود. ابتدا باید از اقدام بجا و مفید قوه قضائیه درباره عفو ۱۱۵ تن از زندانیان سیاسی یاد کرد که با مشمول آزادی شده‌اند یا مدت محکومیت آنان کاهش یافته است. گرچه انتظار می‌رفت زودتر انجام شود؛ ولی ظاهراً به دلایل گوناگون تأخیر افتاد و این عفو معیاری نیز مانند عفو که در زمستان ۱۴۰۱ داده شد، می‌تواند به عنوان نقطه مثبت دستگاه قضایی و نشانه‌ای از اعتماد به نفس ساختار تلقی شود. این تصمیم محصول اعتماد به نفس و استقلال تصمیم‌گیری و تحت تأثیر تدریجاً نبودن ریاست قوه نیز هست. از سوی دیگر، خبر مهمی آمده است که با نقض مکرر حقوق شهروندان در دسترسی آزاد به اطلاعات که دستگاه‌های رسمی از انجام آن استنکاف می‌کنند، و در پی درخواست وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از معاون اول قوه قضائیه و دستور دادستان تهران، بازپرس شعبه چهاردهم دادرسی عمومی و انقلاب ناحیه ۲۸ تهران (کارکنان دولتی) به عنوان بازپرس ویژه رسیدگی به شکایات مربوط به کمیسیون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات تعیین شد. عدم اجرای قانون دسترسی به اطلاعات یکی از عوامل فساد و ناکارآمدی سیستم سیاسی بوده است. برای نمونه، اکنون و پس از گذشت سه سال رئیس کل اسبق بانک مرکزی خبر مهمی را افشا کرد که «از سال ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۳ بانک مرکزی ۲۰۰ هزار میلیارد تومان به بانک آینده پول داده است». اگر این قانون همیشه اجرا می‌شد، نیازی نبود که اکنون به آن پرداخته شود؛ همان زمان این اطلاعات منتشر می‌شد و مانع تشدید چنین فاجعه‌ای در بانک می‌شد. مهم‌تر اینکه امکان انتشار اطلاعات مانع از وقوع چنین تخلفاتی می‌شود. متأسفانه از وقوع چنین محدودیتی در گذشته که هنوز هم هست، چگونه؟ <2

طرح: هادی حیدری / هم‌میهن